

سوزاندن قرآن در حقوق اسلامی

امیر فیض – حقوقدان

در سال ۱۳۸۴ روزنامه نیوزویک خبری منتشر کرد که در زندان آمریکایی کوانتاتامو برای اخذ اطلاعات از زندانیان مسلمان متهم به ترور، اوراق قرآن را بصورت کاغذ توالت مورد استفاده قرار میدهند نوشته نیوزویک، با سروصدا و جنجالهای جهانی مدتی جریان داشت و طبق معمول کم کم فروکش کرد.

اکنون که موضوع سوزاندن قرآن توسط یک کلیسادر آمریکامطرح شده است، بد نیست نگاهی به حقوق اسلامی داشته باشیم تا موضوع حقوقی اقدام کلیسارابشناسیم.

اهانت به قرآن در حقوق اسلامی

در قرآن، در حدود ۱۱ آیه به معرفی قرآن اختصاص داده شده است. در آیات مزبور، هدف از نزول قرآن، بشارت، هدایت و رحمت است برای مسلمانان و در آیات چندی پیروی از قرآن تکلیف و تاکید شده است مفسرین قرآنی حدود ۳۳ نام به قرآن اختصاص داده اند مسلمانان، در قرائت نام قرآن – قدیم و یاجدید بودن- نحوه نزول و بسیاری مراتب دیگر که به قرآن مربوط است اختلاف دارند و تاکنون بریک قول واحد متفق نشده اند.

در آیه دوم سوره یوسف از قرآن بنام کتاب خواندنی یاد شده و در آیه دیگری بنام کتاب آسمانی یاد گردیده. در آیه دیگری با عنوان کتاب و میزان آمده و در آیه ۲۵ سوره حدید بنام کتاب مبین خوانده شده. مبین به معنای آشکار است و این بدان معنا است که قرآن آشکار و روشن است و نیازی به علم خاصی برای فهمیدن آن ندارد. در چند آیه و آیه مجید، پسوند قرآن آمده ولی در آیات دیگری <مجید> از صفات خداوند خوانده شده.

تا آنجا که میدانیم در هیچیک از آیات قرآن، ایجاد تکلیف احترام به قرآن برای مسلمانان نشده است. احترام از ملکات انسانی است که متوجه برای انسان است. قرآن، انسان نیست که انتساب احترام بر او ممکن باشد. دشنام تحقیر که نقطه مقابل احترام است توجه به ذیروح دارد قرآن ذیروح نیست که فصل بی احترامی و یا فحاشی و یا تحقیر را بتوان شاملش ساخت.

بوسیدن قرآن، استخاره باقرآن، خواندن قرآن، سرقبر مرده، در قرآن تجویز نشده – بهنگام سفر از زیر قرآن رد شدن و یا قرآن همراه داشتن در قرآن حکمی ندارد و در سنت محمد هم موردی و سابقه ای دیده نمیشود.

همراه داشتن قرآن در سفر به این معنی است که مسافر باقرآن باشد یعنی آنرا بخواند و به آن عمل کند.

قرآن، هیچگونه درمان طبی و عده نداده- و عده رفع مشکلات نداده فقط اشاراتی دارد که کسانی که فلان آیه را بخوانند روزیشان اضافه میشود – در آیات قرآن صراحتی ندارد که دست بی وضو بقرآن زده نشود و یا قرآن در پانین پافران نگیرد.

حتی قسم به قرآن هم که بسیار معمول است در حقوق اسلامی اعتبار قسم را ندارد در قرآن قسمهای زیادی به خداوند نسبت داده شده از قبیل قسم به روز، قسم به شب، قسم به آفتاب، قسم به صبح و شب قسم به انجیر و زیتون و قسم به طور سینا و یا حتی یک مورد قسم خدایه قرآن نیامده.

قسم در حقوق اسلامی وقتی معتبرست که فقط با نام خدا باشد و قسم به محمد و قرآن معتبر نیست.

قسم به قرآن با آنکه در حقوق اسلامی بی اعتبار است ولی جایگاهش در نزد مسلمانان از قسم به خدا ارجح است. قسم به قرآن نزد مسلمانان ختم کلام است. عبارات آشنا و معمول <خصم قرآن باشم اگر آن کار را کرده باشم- قرآن را شسته ام اگر دروغ گفته باشم - مهر کردن پشت قرآن بعنوان تامین دادن امثال آنها از نظر حقوق اسلامی بی اعتبار است.

این اشارات که بسیار فشرده آورده شد نشانگر موقعیت قرآن در خود قرآن است که البته میدانیم با افکار و باورهای پیروان قرآن اختلافاتی دارد.

بی احترامی بقرآن در حقوق جزای اسلامی

هر عملی که در قرآن نهی شده ضمانت اجرا و مجازاتی برای متخلفین <گناهکاران> تعیین کرده است و در حقیقت اهمیت گناه و جرم از طریق ارزیابی و اهمیت مجازات شناخته میشود.

حقوق جزای اسلامی، به اهمیت جرم و مجازات متناسب با آن، توجه خاصی نشان داده است حقوق جزای اسلامی جرائم بزرگ را از جرائم کوچک تفکیک کرده و مجازات آنها را در قرآن پیاده کرده که قابل تغییر نیست مانند قتل-سرقت-زنا-لواط-مساحقه-قیباده - خمر شراب - محاربه- تهمت زنا- ارتداد که برای هر یک مجازات خاصی تعیین کرده که در اصطلاح حقوق اسلامی <حدود> گفته میشود.

در فصل حدود که فقه اسلامی نیز به آن حساسیت خاصی نشان داده است هیچ مجازاتی برای اهانت به قرآن- اتهام بستن به قرآن- پاره کردن قرآن و حتی سوزاندن قرآن مقرر نکرده.

بغیر از حدود و جرائم وابسته به آن دسته دومی از جرائم هستند که از نظر ماهیت در درجه کمتری از جرائم دسته اول دارد که هم تشخیص آن جرائم و هم نوع مجازات آن بر عهده قاضی است.

اینگونه مجازات‌ها را <تعزیر> مینامند و شرطش این است که بهر حال از حدود کمتر باشد.

با آنکه در حقوق اسلامی احصاء کاملی از جرائم تعزیری نشده ولی فقه اسلامی تا حدودی به جرائمی که تعزیر پذیر است اشاره کرده در بحث تعزیر آمده «هر کلامی که مسلمانی را از آن رنج بود، برگزیند آن سخن تعزیر واجب است» بنقل از کتاب تهذیب الاحکام، <اگر کسی دشنام دهد پیغمبر و یا یکی از ائمه علیهم السلام را خون او هرز و حلال بود> (فقه شیعه)

در تفسیر اهانت و دشنام به پیغمبر شرط قابل توجهی هم وجود دارد و آن این است که توهین کننده مسلمان باشد بنابراین غیر مسلمان اگر به محمد اهانت و یا تحقیر کرد قابل مجازات نیست (تطبیق بفرمانید با کاریکاتور محمد که توسط یک دانمارکی انتشار یافت). شرط دیگر این است که توهین کننده در موقعیتی نباشد که اگر توهین نکند، مورد تعرض واقع گردد. (فرس ماژور)

در قانون قصاص جمهوری اسلامی اهانت و دشنام به حضرت زینب راهم برابر توهین به محمد گرفته و توهین کننده رامستوجب قتل دانسته.

این توضیحات برای این آورده شده که حتی برای توهین به زینب تعیین مجازات شده ولی ذکر مجازاتی برای اهانت کنندگان به قرآن نشده.

در احادیث اسلامی آمده است از محمد نقل است که هر که ایستاده قرآن را بخواند خدا به ازای هر حرفی ۱۰۰ حسنه به او عنایت و شفقت مینماید و هر کس نشسته تلاوت قرآن کند خداوند ۵۰ حسنه به او میدهد و هر که در غیر تلاوت نماز قرآن بخواند در ازای هر حرفی ۱۰ حسنه برای او مینویسد.

در احادیث و سنت محمد هیچ نمونه ای وجود ندارد که نشانی از قهر و غضب خداوند و یا اسلام نسبت به کسانی باشد که به قرآن اهانت کرده اند.

مگر نه این است که قرانت قرآن با آن ثوابهای عظیم همراه است نخواندن ویابی احترامی بقرآن هم باید یک بازتابی تنبیه آمیز داشته باشد.

انمه بکرات قارئین قرآن را به نعمات خدا مطمئن کرده اند از باب نمونه هر کس سوره ملک را بخواند ۷۰ هزار ملک در هر شب و روز بر او صلوات فرستند و تا روز قیامت تسبیح او را خواهند گفت.

آیا جانشین یک حدیثی هم میساختند که هر که به قرآن اهانت کند فرشته ها پدرش را در میاورند.

آیه ۴۲ سوره سجد ه حاکم است که در قرآن هیچ خشک و تری نیست که بر آن تعیین تکلیف و حکم نشده باشد.

آیا اهانت بقرآن و یا تحقیر آن چیزی بی اهمیتی بوده است که قرآن اشاره ای به آن ندارد؟! توجه به این مورد هم لازم بنظر میرسد که اگر اهانت و تحقیر قرآن مورد توجه قرآن قرار نداشته بر عکس دروغ و افترا بستن به قرآن سخت مورد توجه و خشم قرآن قرار داشته است در این باب آیه ۴۰ سوره ۶۹

میگوید: «اگر محمد هم بر ما مقصود خداست» بدروغ افترا به بنده هر آینه بگیریم او را قطع کنیم از اورگ گردنش را»

بنابراین حقوق اسلامی بین افترا و دروغ بستن بقرآن باهتک حرمت و اهانت به قرآن قائل به تفاوت شده و نسبت به بی احترامی و یا هتک حرمت قرآن قائل به منع و مجازاتی نشده.

سوزاندن قرآن و کتاب

اصولا سوزاندن کتاب از یادگارهای کوتاه مدت عهد جاهلیت است که بنیانگذار آن عمر خلیفه سوم مسلمان است که برای اولین بار که با کتابخانه های ایران روبرو شد دستور آتش زدن آنها را داد بعد از او هم کمتر موردی دیده شده است که کتب به آتش کشیده شده باشد بلکه آنرا خمیر میکرده اند تا به مصارف دیگری برسد آتش زدن هر کتابی اعم از مذهبی و یا سیاسی و یا ضاله عمل عهد جاهلیت است.

احترام به باور عمومی

مسلمانان بدون استثناء باورهای دینی و خدائی نسبت به قرآن دارند یعنی بین دین اسلام و خدا و قرآن کمتر تمایزی قائل هستند مسلمانان با آنکه نمیدانند قرآن چه گفته و آنچه راهم که از قرآن میدانند به آن عمل نمیکند و اساسا قرآن را نمیتوانند بخوانند و یا نمیخوانند، مع هذا برای قرآن همان احترامی را قائل هستند که برای خداوند قائلند و از بی احترامی به قرآن همان وحشتی را دارند که از بی احترامی به خداوند دارند.

باور عمومی و استنتاج حقوقی

استنتاج حقوقی بغیر از برداشت و باور عمومی است جامعه با باورهای عمومی شکل میگیرد و جلو میرود نه با برداشتهای حقوقی و تفسیری، باورهای عمومی مردم با گذشت زمان بصورت قوانینی طبیعی در میآید.

که تعرض به آن بسیار دشوار و نیاز بزمان دارد احترام به قوانین طبیعی لازم است نه از این جهت که آن قوانین مطابق حق و عدالت و انسانیت است بلکه از این جهت که گروه عظیمی از مردم به آن اعتقاد دارند و در کلامی دیگر، احترام، به انسانها و تعداد آنها گذاشته میشود نه باور آنها در حالیکه در دنیای امروز لاقلاً ۱۰۰۰ میلیون مسلمان آگاه و بیشتر ناآگاه به قرآن احترام میگذارند و اگر به جای قرآن کتاب موش و گربه هم بود، احترام به ۱۰۰۰ میلیون انسان ایجاب میکند که به آن کتاب موش و گربه هتاکی نشود.